

نگاهی به یک ترجمه

منصور نصیری*

چکیده

گیلبرت هارمن در مقاله کلاسیک و مهم خود با عنوان «استنتاج بهترین تبیین»، در صدد اثبات این نکته است که همه استنتاج‌های استقرایی شمارشی، به استنتاج دیگری با نام «استنتاج بهترین تبیین» باز می‌گردند. این مقاله و استدلال‌های گیلبرت هارمن در آن، از اهمیت ویژه‌ای در فلسفه علم برخوردار است و یکی از منابع مهم در این زمینه به شمار می‌آید. این مقاله به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. اما این ترجمه به دلیل کاستی‌ها و خطاهای فاحشی که در آن وجود دارد، نه تنها کمکی به محققان فارسی‌زبان نمی‌کند، بلکه آنها را دچار سردرگمی و فهم نادرست مقصود نویسنده می‌کند. از این‌رو، این مقاله، در صدد نشان دادن برخی از این کاستی‌ها و خطاهای ترجمه مزبور است. باشد که راهنمایی برای پژوهش‌گران و تذکاری برای مترجم مقاله هارمن باشد. کلید واژه‌ها: استقرای شمارشی، استنتاج بهترین تبیین، استنتاج، استقراء، نقد ترجمه.

درآمد

ترجمه آثار، یکی از راه‌های انتقال، رشد و تولید علم است و در بسیاری از رشته‌های علمی مقدمه‌ای بایسته برای برداشتن گام نخست در این زمینه است. از این رو، بی‌شک در بسیاری از قلمروهای علمی، کاری شایسته و گاه بایسته است. تصور کنید که اندیشمندی در مقاله یا کتابی نظریه خاصی را ارائه کرده است. برای آگاهی از این نظریه و یا نقد آن چاره‌ای جز مراجعه به متن مزبور نیست. بی‌شک ترجمه آن، کمک شایانی برای محققان خواهد کرد، به ویژه اگر محققان خود به زبان مبدأ آشنا نباشند. امروزه فهم دیدگاه‌های فیلسوفان برجسته‌ای چون سقراط، افلاطون و ارسطو از این راه صورت می‌گیرد. اما استفاده از این راه بسیار مفید و شادی‌بخش، شرایطی دارد که مهم‌ترین آنها، درست بودن ترجمه است. ترجمه، اگر نادرست باشد، فهم مقصود صاحب اثر عقیم می‌ماند و ضمن آن‌که اندیشه یا نظریه علمی وی به درستی منتقل نمی‌شود، همه استفاده‌ها و ارجاعات و نقدها نیز از اساس بی‌پایه می‌گردد. اگر متن ترجمه شده از اهمیت زیادی برخوردار باشد، استفاده از این ترجمه نادرست، فراوان شده، با گذشت زمان تبدیل به روند جاری می‌شود. نتیجه این فرایند، خلق یک دانشمند یا اندیشمند توهمی است نه معرفی اندیشمند صاحب اثر ترجمه شده! هر روز از فیلسوف یا دانشمند مزبور دورتر شده، به فیلسوف و دانشمند توهمی و مخلوق خود پروبال بیشتری داده و چنین می‌شود که محققانی که از آن ترجمه نادرست استفاده می‌جویند، نه تنها از دانش سودی نمی‌برند، استفاده‌ها و نقدهایشان آنها را از دانش دلخواه خود دورتر می‌گرداند. باری، خلط‌ها و مصایب علمی فراوان دیگری تولید می‌گردد. پس همان‌طور که ترجمه اثر علمی ارزشمند است، ترجمه نادرست آن، بی‌ارزش و غیراخلاقی و بسان راهنمایی گم‌شده به راه خطا و مهلک است. پس، زنه‌ار که با اندک آشنایی و اندک هوسی، به ترجمه روی آوریم! این نکته شاید تلنگوری باشد به داشته‌های فطری ما.

آنچه در پی می‌آید، نگاهی است به ترجمه یک مقاله کلاسیک و بسیار مهم و تأثیرگذار از گلیرت هارمن^۱ (در حدود ۹ صفحه)، که در آن تلاش کرده نظریه خود را مبنی بر بازگشت استقرای شمارشی به استنتاج بهترین تبیین شرح و بسط دهد. این مقاله، یکی از منابع مهم در این زمینه است. محققان این حوزه را چاره‌ای جز مراجعه به آن نیست. از این رو، درستی ترجمه آن اهمیت دو چندان می‌یابد.^۲ آیا این ترجمه از این ویژگی برخوردار

است؟ آنچه در پی می‌آید، پاسخی است به این سؤال حیاتی. در عین احترام به مترجم، این تأملات را برای استفاده عزیزان و رعایت حق نویسنده اندیشمند مقاله، به جهت پیشرفت علمی کشور در اختیار عموم قرار می‌دهم.

متأسفانه، لغزش‌های ترجمه مزبور، اندک نیست و در زیر برخی از مهم‌ترین آنها را بیان خواهیم کرد. برای آن که در کار، روند روشنی داشته باشیم، پس از نقل جمله مورد نظر از متن اصلی، نخست ترجمه مترجم را با عنوان «ترجمه مترجم» و آنگاه ترجمه درست آن را با عنوان «ترجمه پیشنهادی» بیان خواهیم کرد و سپس لغزش پیش‌آمده در ترجمه را زیر عنوان «توضیح» بیان خواهیم کرد.

I claim that, in cases where it appears that a warranted inference is an instance of enumerative induction, the inference should be described as a special case of another sort of inference, which I shall call "the inference to the best explanation."

ترجمه مترجم: من مدعی هستم در مواردی که به نظر می‌رسد یک استنتاج موجه، مصداقی از استنتاج شمارشی است، آن استنتاج باید مصداق خاصی، قسم دیگری از استنتاجی توصیف شود که من آن را «استنتاج از راه بهترین تبیین» می‌دانم.

ترجمه پیشنهادی: ادعای من این است که در مواردی که به نظر می‌رسد یک استنتاج موجه، مصداقی از استقرای شمارشی است، باید آن استنتاج را مورد خاصی از نوع دیگری از استنتاج قلمداد کرد که من آن را «استنتاج بهترین تبیین»^۳ می‌نامم.

توضیح: درست است که فعل «describe» در انگلیسی، هنگامی که به صورت تنها به کار رود به معنای «توصیف کردن» و نظایر آن است، ولی هنگامی که با پسوند as به کار رود، تبدیل به اصطلاح شده و به معنای «محسوب کردن»، «تلقی کردن» و نظایر آن می‌شود. از این‌رو، مقصود نویسنده آن است که استقرای شمارشی مزبور را باید استنتاج بهترین تبیین قلمداد کرد. منظور وی توصیف کردن نیست. نویسنده فعل مزبور را بیش از ۱۰ بار به کار برده و مترجم نیز متأسفانه در همه این موارد دچار همین خطا شده است. این خطا در بیشتر موارد، بسیار زننده است. تفاوت این دو فعل نیازی به توضیح ندارد. «محسوب کردن» یا «تلقی کردن» با «توصیف کردن» تفاوت زیادی دارند.

نکته دیگر درباره اصطلاح است: این اصطلاح در فارسی به عناوین متعددی نظیر «استنتاج معطوف به بهترین تبیین»، «استنتاج به بهترین تبیین»، «استنتاج با بهترین تبیین» و جز آن ترجمه شده است. مترجم محترم در این ترجمه، آن را به «استنتاج از راه بهترین

تبيين» ترجمه کرده است. آنچه که در این اصطلاح مایه تشتم برداشت‌ها شده، وجود کلمه to در آن است. برخی آن را «معطوف به» ترجمه کرده‌اند. برخی دیگر (نظیر مترجم این ترجمه) آن را به معنای «از راه» تلقی کرده‌اند. در حالی که، اگر انگلیسی‌زبان می‌خواست این معنا را برساند، باید از from استفاده می‌کرد، نه to. مقصود از این اصطلاح، این است که ما را به بهترین تبیین می‌رساند و استنتاجی که از این راه به دست می‌آید بهترین تبیین است. از این رو، بهتر است آن را به «استنتاج بهترین تبیین» ترجمه کنیم که مفهوم آن این است که ما با این نوع استنتاج، بهترین تبیین را نتیجه می‌گیریم.

When a scientist infers the existence of atoms and sub-atomic particles, he is inferring the truth of an explanation for various data which he wishes to account for.

ترجمه مترجم: وقتی دانشمندی وجود اتم‌ها و ذرات اتمی را استنتاج می‌کند، صدق تبیینی از داده‌های گوناگون را، که به نظر او تفسیر آن محسوب می‌شود، استنتاج می‌کند. ترجمه پیشنهادی: وقتی که یک دانشمند وجود اتم‌ها و ذرات زیراتمی را استنتاج می‌کند، [در واقع]، صدق یک تبیین را برای داده‌های گوناگونی، که درصدد تبیین آن است، استنتاج می‌کند.

توضیح: در عبارت نویسنده، فعل یا کلمه‌ای که بیانگر عبارت «به نظر او تفسیر آن محسوب می‌شود» وجود ندارد. مترجم، به خطا عبارت اخیر را این گونه ترجمه کرده است. در حالی که، ترجمه درست آن همان است که در ترجمه پیشنهادی آمده است. ریشه اصلی خطای ترجمه در این عبارت آن است که مترجم پنداشته است که اصطلاح account for به معنای محسوب کردن است. در حالی که، این اصطلاح به معنای توجیه و تبیین کردن است. خطای دیگر وی، عدم تشخیص فاعل این فعل و به نوعی خلط فاعل آن با فاعل فعل wishes است.

(i) we infer that he says what he does because he believes it;

ترجمه مترجم: استنتاج می‌کنیم که او همانی را می‌گوید که انجام می‌دهد، چون به آن باور دارد.

ترجمه پیشنهادی: (۱) ما استنتاج می‌کنیم که او به این دلیل سخنان مزبور را می‌گوید که به آن باور دارد؛

در اینجا مترجم دو اشتباه اساسی مرتکب شده است و موجب شده است که مقصود نویسنده از اساس وارونه و نامفهوم شود: ۱. مترجم در یک اشتباه بزرگ، فعل does را به

همان معنای ظاهری گرفته است. از این رو، آن را به «انجام می دهد» ترجمه کرده است. در حالی که، این فعل در اینجا از معنای اصلی خود خارج و نایب فعل قبل از خود یعنی *says* است. پس هم چنان که در ترجمه پیشنهادی آمده، مقصود از آن «گفتن» است، نه انجام دادن. روشن است که این خطا مقصود نویسنده را که در این عبارت دقیق انگلیسی بیان کرده، واژگون می کند و اساساً مخاطب را به گمراهی می کشاند. اگر مترجم اندکی در ترجمه خود «او همانی را می گوید که انجام می دهد» تأمل می کرد، بی درنگ به نامفهوم بودن جمله خود پی می برد. ۲. خطای بزرگ دیگری که مترجم مرتکب شده است، عدم تشخیص جایگاه مفهومی و معنایی جمله تعلیلی (*because he believes it*) در عبارت نویسنده است. آن گونه که مترجم ترجمه کرده، مخاطب حیرت زده می ماند که جمله «چون به آن باور دارد» تعلیل برای فعل نادرست ترجمه شده «انجام می دهد» است، یا تعلیل برای فعل «استنتاج می کنیم»؟ با توجه به ترجمه پیشنهادی اهمیت این جمله و ترجمه درست آن در تفهیم مراد نویسنده روشن می شود.

(ii) we infer that he believes what he does because he actually did witness the situation which he describes.

ترجمه مترجم: استنتاج می کنیم که او همان چیزی را باور دارد که می گوید، چون واقعاً شاهد وضعیتی بوده که توصیف می کند.

ترجمه پیشنهادی: (۲) ما استنتاج می کنیم که او به این دلیل به آنچه که به آن باور دارد، باور دارد که در واقع شاهد وضعیتی بوده که توصیفش می کند.

توضیح: اشتباه مترجم در این عبارت نیز شبیه اشتباه در عبارت پیشین است. در اینجا نیز معنای *does* را تشخیص نداده و باعث گم شدن مقصود نویسنده شده است و نیز جایگاه معنایی جمله تعلیلیه را تشخیص نداده و معنای جمله را واژگون کرده است.

when we infer from a person's behavior to some fact about his mental experience, we are inferring that the latter fact explains better than some other explanation what he does.

ترجمه مترجم: وقتی ما از رفتار یک فرد، حقیقتی را درباره تجربه های ذهنی او استنتاج می کنیم، به این نتیجه می رسیم که این حقیقت بهتر تبیین می کند تا تبیین های دیگری که ارائه می دارد.

ترجمه پیشنهادی: هنگامی که ما از رفتار یک شخص، واقعیتی را درباره تجربه ذهنی او استنتاج می کنیم، [در واقع،] استنتاج می کنیم که این واقعیت رفتار او را بهتر از تبیین های دیگر، تبیین می کند.

توضیح: مترجم در این عبارت، به دلیل عدم تشخیص جایگاه معنایی عبارت (what he does) اساساً آن را ترجمه نکرده است. از این رو، خواننده متحیر می‌ماند که در عبارت «این حقیقت بهتر تبیین می‌کند تا تبیین‌های دیگری که ارائه می‌دارد»، مفعول فعل «تبیین می‌کند» چیست؟ دقت در جمله انگلیسی روشن می‌سازد که مفعول آن همان مفهومی است که جمله (what he does) می‌رساند. در ترجمه پیشنهادی به «رفتار او» ترجمه شده؛ چرا که فعل (does) در این جمله نایب از (behavior) است و رساننده معنای آن است.

Therefore, I assert that even if one permits himself the use of enumerative induction, he will still need to avail himself of at least one other form of nondeductive inference.

As I shall now try to show, however, the opposite does not hold.

ترجمه مترجم: بدین ترتیب، تصدیق می‌کنم حتی در صورتی که انسان، خود، استفاده از استقرای شمارشی را مجاز بشمارد، کماکان نیاز خواهد داشت که دست کم از شکل دیگری از استنتاج غیرقیاسی سود جوید. اما اکنون سعی می‌کنم تا نشان دهم که مخالف [این مدعا] وجود ندارد.

ترجمه پیشنهادی: بنابراین، من تأکید می‌کنم که حتی اگر انسان استفاده از استقرای شمارشی را تجویز کند، باید دست کم از نوع دیگری از استنتاج غیرقیاسی سود جوید. اما، همان‌طور که هم‌اکنون نشان خواهم داد، نقطه مقابل این امر صادق نیست.

توضیح: فعل (assert) معمولاً به معنای «گفتن یک چیز، توأم با اطمینان خاطر» است که در فارسی می‌توان آن را به «تأکید کردن» معنا کرد. دست کم روشن است که معنای «تصدیق کردن» برای این فعل در این عبارت، اساساً خطاست؛ بدلیل این که نویسنده نمی‌خواهد مطلبی را که مثلاً در جایی دیده، یا از کسی شنیده تصدیق کند، بلکه می‌خواهد نکته‌ای را که خود به آن اعتقاد دارد، مورد تأکید قرار دهد. اما خطای بزرگ مترجم مربوط به ترجمه عبارتی است که در پاراگراف جدا آمده است. نویسنده با آوردن عبارت (the opposite does not hold) درصدد است بگوید نقطه مقابل ادعایی که در عبارت پیشین مورد تأکید قرار داد، صادق نیست. بدین ترتیب، نویسنده می‌خواهد بگوید که اگر انسان استفاده از استقرای شمارشی را تجویز کند، باید دست کم از نوع دیگری از استنتاج غیرقیاسی سود جوید. اما نقطه مقابل این سخن صادق نیست؛ یعنی چنین نیست که اگر انسان نوع دیگری از استنتاج غیرقیاسی، که مقصود وی در اینجا استنتاج بهترین تبیین

است، را تجویز کند، باید از استقرای شمارشی نیز استفاده کند. اساساً باید از مترجم پرسید که اگر آن‌گونه، که ایشان ترجمه کرده، مقصود نویسنده این است که مخالف [این مدعا] وجود ندارد. پس چرا نویسنده تلاش می‌کند تا آن مدعا را اثبات کند؟!

Enumerative induction is supposed to be a kind of inference that exemplifies the following form. From the fact that all observed A's are B's we may infer that all A's are B's (or we may infer that at least the next A will probably be a B).

ترجمه مترجم: تصور می‌شود که استقرای شمارشی نوعی از استنتاج است که شکل زیر را تمثیل می‌کند. از این حقیقت که تمام مصادیق A، موارد B هستند، می‌توانیم استنتاج نماییم که تمام موارد مشهود A، موارد B هستند (یا شاید استنتاج نماییم که دست کم مورد A بعدی احتمالاً مورد B خواهد بود).

ترجمه پیشنهادی: تصور می‌شود که استقرای شمارشی نوعی از استنتاج است که تمثیل‌گر قالب زیر است: از این حقیقت که همه مصادیق مشاهده شده از A، مصادیق B هستند، می‌توانیم استنتاج کنیم که همه مصادیق A، مصادیق B هستند (یا می‌توانیم استنتاج کنیم که دست کم مصداق بعدی A، احتمالاً مصداقی از B خواهد بود).

توضیح: علاوه بر بی‌دقتی‌هایی که با مقایسه دو ترجمه به دست می‌آید، اشتباه مترجم اضافه کردن کلمه «مشهود» در ترجمه A's است که هرچند یک کلمه است، اما به دلیل نقش معنایی مهمی که دارد، باعث خلط معنایی شده است.

If, however, we think of the inference as an inference to the best explanation, we can explain when a person is and when he is not warranted in making the inference from "All observed A's are B's" to "All A's are B's."

ترجمه مترجم: اما اگر این استنتاج را استنتاج از راه بهترین تبیین بدانیم، می‌توانیم توضیح دهیم که چه وقت شخصی در استنتاج «تمام موارد مشهود A موارد B هستند». از این مقدمه که «همه موارد A، موارد B هستند» موجه است و چه وقت موجه نیست.

ترجمه پیشنهادی: اما اگر این استنتاج را استنتاج بهترین تبیین بدانیم، می‌توانیم تبیین کنیم که انسان در چه صورتی در استنتاج قضیه «همه مصادیق A، مصادیق B هستند» از مقدمه «همه مصادیق مشاهده شده از A، مصادیق B هستند» موجه است و در چه صورتی موجه نیست.

توضیح: در این گونه متون تخصصی، واژگان باید به صورت تخصصی ترجمه شود. از این رو، ترجمه فعل explain به تبیین کردن بهتر از ترجمه آن به توضیح دادن است. اما

خطای بسیار خطیر و سرنوشت‌ساز در ترجمه عبارت فوق، مورد دوم و سوم است که مترجم مراد نویسنده را کاملاً برعکس متوجه شده است. در واقع، مقدم استنتاج را به جای تالی و تالی را به جای مقدم فهمیده است!! نویسنده می‌خواهد بگوید از مقدمه «همه مصادیق مشاهده شده از A، مصادیق B هستند»، قضیه «همه مصادیق A، مصادیق B هستند» را استنتاج می‌کنیم و مترجم می‌گوید: از مقدمه «همه مصادیق A، مصادیق B هستند»، قضیه «همه مصادیق مشاهده شده از A، مصادیق B هستند» را استنتاج می‌کنیم. این کاملاً عکس مقصود نویسنده است و در سراسر مقاله موجب سردرگمی خواننده می‌شود.

I conclude that inferences which appear to be applications of enumerative induction are better described as instances of the inference to the best explanation.

ترجمه مترجم: من نتیجه می‌گیرم استنتاج‌هایی که به ظاهر [نتیجه] کاربردهای استقرای شمارشی هستند، به عنوان مصادیق از استنتاج از راه بهترین تبیین بهتر توضیح داده می‌شوند.

ترجمه پیشنهادی: نتیجه آن‌که بهتر است استنتاج‌هایی که کاربردهای از استقرای شمارشی به نظر می‌رسند، مصادیقی از استنتاج بهترین تبیین تلقی شوند.

توضیح: نویسنده نمی‌خواهد بگوید این استنتاج‌ها از راه استنتاج بهترین تبیین بهتر توضیح داده می‌شوند، بلکه می‌خواهد بگوید که بهتر آن است که آنها را مصادیقی از استنتاج بهترین تبیین قلمداد کنیم؛ یعنی همان مطلوبی که در سراسر این مقاله به دنبال اثبات آن بود. یک مورد (از میان بیش از ده مورد) از خطای در ترجمه اصطلاح (describe as) همین مورد است که موجب سردرگمی خواننده نیز می‌شود.

My argument has been (i) that there are many inferences which cannot be made out to be applications of enumerative induction but (2) that we can account for when it is proper to make inferences which appear to be applications of enumerative induction, if we describe these inferences as instances of the inference to the best explanation.

ترجمه مترجم: استدلال من عبارت است از: (۱) استنتاج‌هایی وجود دارند که نمی‌توان آنها را [نتیجه] کاربردهای استقرای شمارشی محسوب داشت. اما (۲) اگر این موارد را به عنوان استنتاج‌های از راه بهترین تبیین توصیف نماییم، می‌توانیم توضیح دهیم که چه وقت سزاوار است استنتاج‌هایی صورت گیرد، استنتاج‌هایی، که به ظاهر کاربردهای استقرای شمارشی هستند.

ترجمه پیشنهادی: استدلال من این بود که (۱) استنتاج‌های فراوانی وجود دارد که نمی‌توان نشان داد که این استنتاج‌ها کاربردهای از استقرای شمارشی هستند، بلکه (۲)

در مواردی که انجام استنتاج‌هایی که ظاهراً کاربردی از استقرای شمارشی هستند صحیح باشد، در صورتی می‌توان آنها را تبیین کرد که این گونه استنتاج‌ها را نمونه‌هایی از استنتاج بهترین تبیین قلمداد کنیم.

توضیح: ترجمه سراسر این عبارت نادرست و سردرگم‌کننده و ناامید کننده است. در اینجا نویسنده می‌خواهد حاصل استدلال خود را که در صفحات پیشین به تفصیل بیان داشته بود، جمع‌بندی کند. متأسفانه، به دلیل پیچیده بودن عبارت نویسنده، مترجم از اساس به مقصود وی پی نبرده و ترجمه‌ای سراسر غلط ارائه کرده است. مقایسه ترجمه پیشنهادی با ترجمه مترجم، اندکی از این لغزش خطیر را نشان می‌دهد.

Describing our inference as enumerative induction disguises the fact that our inference makes use of certain lemmas, whereas, as I show below, describing the inference as one to the best explanation exposes these lemmas.

ترجمه مترجم: توصیف این استنتاج ما به عنوان استقرای شمارشی، این حقیقت را پوشیده نگه می‌دارد که این استنتاج از شرط صدق استفاده می‌کند. در حالی که، چنان‌که نشان خواهیم داد، توصیف این استنتاج به عنوان استنتاجی از راه بهترین تبیین، این شروط را آشکار می‌سازد.

ترجمه پیشنهادی: استقرای شمارشی دانستن استنتاج‌های ما، این واقعیت را که استنتاج‌های ما از پیش‌اثباتی‌های خاصی استفاده می‌کند، مخفی می‌کند. در حالی که، هم‌چنان که در زیر نشان خواهیم داد، چنانچه استنتاج را استنتاج بهترین تبیین بدانیم، این پیش‌اثباتی‌ها را آشکار می‌کند.

توضیح: خطای اول مترجم، همان خطای تکراری نادرست ترجمه کردن اصطلاح (describe as) است. اما خطای بسیار مهم و خطیری که در باقی مقاله عنصری کلیدی در عبارات و توضیحات نویسنده است، ناتوانی از ترجمه اصطلاح (lemmas) است. واژه (lemma) اشاره به اصطلاح مهمی است که در فهم مقصود نویسنده و استدلال‌هایی که از این پس خواهد آورد، نقش کلیدی دارد. با توجه به این نکته، روشن می‌شود که خواننده سایر توضیحات و استدلال‌های نویسنده را درک نخواهد کرد. (lemmas) که جمع (lemma) است، به قضایایی گفته می‌شود که باید پیش از اثبات مطلوب و به عنوان مقدمه اثبات

شوند. در ترجمه پیشنهادی، آن را به «پیش اثباتی» ترجمه کرده ایم. به هر حال، مقصود نویسنده آن است که در استنتاج‌های استقرایی همواره قضیه یا قضایایی وجود دارد که باید به عنوان مقدمه استدلال اثبات شوند. اگر این استنتاج‌ها را استنتاج بهترین تبیین تلقی نکنیم، این پیش اثباتی‌ها پنهان می‌مانند. در حالی که، اگر آنها را استنتاج بهترین تبیین بدانیم، کاملاً آشکار می‌شوند.

I will take two different sorts of knowledge (knowledge from authority and knowledge of mental experiences of other people) and show...

ترجمه مترجم: من دو نوع متفاوت از معرفت (معرفت ناشی از مرجعیت و معرفت ناشی از تجارب ذهنی افراد دیگر) را مدنظر قرار داده، نشان می‌دهم که....

ترجمه پیشنهادی: من دو نوع متفاوت از معرفت را در نظر خواهم گرفت (معرفت ناشی از مرجعیت (حجیت) و معرفت به تجارب ذهنی انسان‌های دیگر) و نشان خواهم داد که....

توضیح: لغزش فوق هرچند اندک است، بسیار مهم و به دلیل آن که نویسنده در باقی مقاله به آن تکیه می‌کند، موجب إخلال در فهم مقصود نویسنده است. نویسنده می‌خواهد به دو نوع معرفت اشاره کند که دومین نوع آن معرفت، به تجارب ذهنی انسان‌های دیگر است، نه معرفت ناشی از تجارب ذهنی انسان‌های دیگر و میان این دو فرق بسیار است و خطای در ترجمه آن، خواننده را به بیراهه‌ای فراخ می‌کشاند.

علاوه بر این اشکالات، متأسفانه مترجم، در دو مورد، پاورقی‌های نویسنده را حذف و ترجمه نکرده است.

لغزش‌هایی که گزینش کردم، بخشی از لغزش‌های ترجمه مترجم است و نیازی به ذکر همه آنها نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: «استنتاج از راه بهترین تبیین»، گلپیرت هارمن، ترجمه رحمت‌الله رضایی، فصلنامه ذهن، شماره ۲۳ (پاییز ۱۳۸۴)، ص ۱۴۵-۱۵۳. با توجه به اغلاط و کاستی‌های فراوان این ترجمه، و با توجه به اهمیت مقاله مزبور، اینجانب دوباره آن را به فارسی برگردان کردم که امیدوارم در آینده منتشر شود.
۲. اصل انگلیسی این مقاله، حدود ۹ صفحه و متن ترجمه شده آن نیز ۹ صفحه است.

3. The Inference to the Best Explanation.